

## هنگامه‌ها در رفع نقیصه‌ها

### نهمین هنگامه

امیر فیض - حقوقدان

در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ ایرانیان مقیم لندن افتخاری بزرگ یافتند که باشهریار خود از نزدیک صحبت و نقطه نظرهای معظم له رادریباناتی که فرمودند استماع کردند.

بسیار کوشیدیم که از فرمایشات شاه کاستی بدست آریم و یا متن جامعی که بتوان بر آن اطمینان نهاد تحصیل کنیم تا بر آن نقدی بنویسیم و شبیه هائی که برای برخی بوجود آمده بود، رافع باشیم خاصه که نامه هائی دریافت شده بود که انجام این تکلیف را مسلم میساخت.

دربین جرائد فارسی برون مرزی مصاحبه پادشاه در دوتشریه ثبت شده است؛ یکی در روزنامه ایران و جهان که از طرف آقای علیرضا نوری زاده بانام «الد ستور» منعکس شده و دیگری روزنامه ایران نیوز است و روزنامه های دیگری مانند ایران تریبیون و پردیس هم فقط خبر مصاحبه راداده اند.

بهرحال، سنگر متن روزنامه ایران نیوز راملاک قرار داده است، اکنون به اتفاق به کلیاتی از بیانات اعلیحضرت از سنگر مورخ ۱۷ اردیبهشت سال ۶۱ شماره ۱۱۷ میپردازیم.

- ۱- شهریار ایران در موقعیت پادشاه قانونی و نماینده نسل جوان ایران به لندن عزیمت فرموده و در موضع پادشاه ایران با ایرانیان و خبرنگاران سخن گفته اند.
- ۲- زیربنای سخنان شاه، استوار و محکم بقانون اساسی و نظام پادشاهی مستقر بوده است.
- ۳- اگر میدانستم روش دیگری میتواند موجب پیروزی ما باشد و کشور را بسوی یکپارچگی برده و آزادی را به ایران باز گرداند مطمئن باشید من خود به دنبال این راه میرفتم ولی تابه امروز چیزی جز سلطنت به چشم من و در اندیشه من نخورده است بهمین دلیل من معتقدم اکنون وقت آن رسیده است که همه باایمان به قانون اساسی و اعتقاد به قانون اساسی مشروطه که خونبهای مبارزان سرزمینمان برای رهائی وطن است دست در دست هم گیرند.

این قسمت از فرمایشات شاه متضمن دو مهم است نخست اینکه:

### نظام پادشاهی مارش پیروزی است

شهریار ایران باتاکید این حقیقت تاریخی که نظام پادشاهی یگانه نظام آزادی بخش و تامین کننده وحدت و یکپارچگی کشور است ..... بدان معناست که اعتقاد پادشاه و همه میهن پرستان براین است که نظام پادشاهی که شاه مظهر آن است تنها عامل و فرماتده معنوی است که رمز نواختن مارش رستاخیز بزرگ ملی برای رهائی ایران در نام و موقعیت آن نهفته است.

همه آنهاکه برای رهائی ایران در تلاشند باید بااین حقیقت پیوند اعتقادی یابند که ایران و ملت ایران جز در پناه رژیم مشروطه سلطنتی یعنی :

حاکمیت معنوی باسلطنت، حاکمیت اراده با ملت، حاکمیت اجرایی بادولت، رهانمیگردد و دوام نمی یابد

## ۴- ایمان و اعتقاد بقانون اساسی

تاکید مکرر و پی‌درپی اعلیحضرت بر اعتقاد به قانون اساسی مشروطه بدین لحاظ حائز اهمیت است که فعالیت‌های سیاسی آقای علی امینی و شاپور بختیار بر مبنای قانون اساسی ۱۹۰۶ اعلام شده بود و همانطور که استحضار دارید متمم قانون اساسی در سال ۱۹۰۷ بتصویب رسیده که سلطنت پهلوی را مشروعیت بخشیده و در قانون اساسی ۱۹۰۶ سلطنت پهلوی جایگاه حقوقی ندارد و توسل امینی و بختیار به قانون اساسی ۱۹۰۶ بدون ضم متمم قانون اساسی یک فریب و دغلیکاری بود که سنگر، سخت در مقابل این ریاکاری ایستاد.

بیانات تاکید آمیز اعلیحضرت بر ایمان و اعتقاد به قانون اساسی مشروطیت و نظام پادشاهی دیگر جای بحثی برای غرض و رزان باقی نگذاشت.

۵- در بیاناتشان آمده است:

**سلطنت طلبان باید انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند**

مسئله انعطاف پذیری بدان معنی نیست که طرفداران سلطنت از اعتقاد خود به قانون اساسی مشروطه و نظام پادشاهی دست بکشند و فی‌المثل جمهوریخواه بشوند، از مفهوم این انعطاف پذیری چنین استنباط می‌گردد که سلطنت طلبان، آنهایی را که ندانسته با رژیم غاصب همکاری کرده اند و یا افکار جمهوری داشته اند و امروز به حقیقت ملیت و هویت ایرانی خود روی آورده اند از خود نرانند و جبهه‌گیری در مقابل آنها را با انعطاف پذیری توأم سازند.

۶- پرهیز از تفرقه:

بازگشت به وطن منوط به این است که هر کدام از ما وظایف خود را بدانیم. وظایف مطبوعات در شرایط فعلی پرهیز از تفرقه است .....

این قسمت از بیانات اعلیحضرت از طرف گروه‌های مختلف با تعبیری منفی مواجه شده است تا جائی که یکی از روزنامه‌ها نوشته است «سلطنت طلبان باید با جمهوریخواهان همکاری کنند» دیگری نوشته است «نقطه نظرهای رضا پهلوی بامدنی که جمهوری ملی را برای ایران می‌خواهد یکی است چرا ائتلافی بین آنها بوجود نیاید»

برای دستیابی بمفهوم ارشاد شه‌ریار ایران باید از معلومات دیگری که در بیانات ایشان آمده است استمداد گرفت و آن تاکید ایشان به لزوم حمایت از نظام پادشاهی و قانون اساسی مشروطه است، آنجاکه شه‌ریار ایران می‌فرمایند «اکنون وقت آن رسیده است که همه با ایمان و اعتقاد به قانون اساسی دست در دست هم دهیم» مسلماً خطاب معظم له آنهایی هستند که به این قانون ایمان ندارند.....

۷- شه‌ریار ایران در مورد مصدق فرموده اند:

«من به چهره‌هایی نظیر مصدق با احترام نگاه می‌کنم» مصدق اکنون بتاریخ پیوسته است و این قضاوت تاریخ است که باید درباره او سخن می‌گوید.....

\*\*\*\*

**شاه سخنان**

گاه تحمل حقیقت سخت است ولی بازگویی آن تکلیف است. چراکه براه حقیقت میتوان حقیقت را پاک و مقدس نمود و غلبه قدرت اثر بر ناحق ابدی و مستحکم ساخت.

با آنکه از فرمایشات شه‌ریار ایران در لندن هفته‌ها می‌گذرد؛ هنوز بازتاب آن سخنان در بین جراید و ایرانیان مقیم خارج از اوج فزاینده‌ای توأم با هیجان و تفاسیر گوناگون برخوردار است، یکی نوشته است «رضاپهلوی آریامهریسم پدرش

رامحکوم کرده - دیگری نوشته رضاپهلوی خواستار ملاقات با رجوی شد- دیگری نوشته رضاپهلوی به طرفداران خودش دستور داده برونند بامجاهدین و جمهریخواهان بسازند - کیهان هفتگی تهران در شماره اول اردیبهشت بنقل از مجله اشپیگل آلمان نوشت رضاپهلوی بابنی صدر ملاقات کرده تازمینهمکاری های لازم فراهم گردد- نامه های دریافتی نشان میدهد که گروهی از سخنان شاه که دهان به دهان به آنها رسیده برداشتهای ناصوابی کرده اند و مبارزه و روحیه خود رابه کلی باخته و غرق در ریاس و ناامیدی شده اند .....

نویسنده ای که خود را افسر ارتش معرفی کرده مارابه شهیرایران وطن و شرافت سوگند داده که نامه اورا شخصا برای پادشاه بخوانیم و اضافه کرده که اگر ما چنین نکنیم فلان و فلان هستیم.

به این آقای پر احساس و قهر و عرض میکنم ما چکاره ایم که بتوانیم نامه شمارا برای پادشاه ایران بخوانیم ما هم مثل شما دستمان از دفتر شهیرایران به دور است، تا چه رسد به شهیرایران ما حتی نمیدانیم که این نوشته های سنگریه ملاحظه پادشاه میرسد یا خیر شما که نوشته اید از خوانندگان قدیمی سنگر هستید مگر در سنگر شماره ۷۲ نخواندید که التماس کردیم یک کسی پیدا شود و این فغانهای مارابه عرض شاه برساند .....

بهر حال نامه ها و گلایه ها و تفاسیر نادرست نسبت به بیانات شهیرایران که جامع و اصل آن بیانات منتشر نگردید و بسیار هم باعث سوء استفاده بدخواهان شد لازم ساخت که تحریر مفصلی که شاید بتواند به سکون تلاطم های فکری موثر باشد در سنگر گذاشته شود که در سنگر ۱۷ اردیبهشت ۶۱ شماره ۱۱۷ تحت عنوان <درآوردی از سخنان شاه> گذارده شد.

در این مقوله یکی از دانشمندان انگلیسی نظریه ای دارد بنام <مورفی> که مختصر آن چنین است.

<اگر فی المثل ۱۰ شانس خوب و مساعدی در کاری داشته باشیم و در همان کاریک شانس بد هم باشد ما به لحاظ انتظار و نگرانی به همان شانس بد فکر میکنیم و اتفاقا همان شانس بد هم بسراغمان میاید>

سلطنت طلبان نیز بمناسبت انتظار خاصی که از شهیرایران داشتند بطور طبیعی گرایش فکری آنان به تفاسیر ضعیفی که ناشی از انتظار و هیجان آنان بود کشیده شد.

**حاشیه -** در بین شایعه سازی و تفاسیر ناموزون نسبت به بیانات شهیرایران علیرضانوری زاده مقاله ای در هفته نامه جبهه نجات داشت که هفته نامه ایران آزاد در شماره ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰ به آن اشاره کرد در آن نوشته آمده است «رضا پهلوی اخیرا به توصیه ای که از سوی دکتر علی امینی به او شده گردن نهاده است ... دکتر امینی به رضا پهلوی پیام داده است بهتر است او جانب هیچ گروهی را نگیرد و بجای شاه خواندن خود نقشی بیش از یک مخالف رژیم برای خود قائل نشود و بنام رضاشاه دوم اعلامیه صادر نکند و سخنی نگوید»

این حاشیه رابنعنوان شاهد مقصود آوردم تا تضمین نقش علی امینی و جبهه نجات در اجرای طرح هنری برشت باشد که در هفتمین هنگامه به آن اشاره شد. پایان حاشیه

پایان نهمین هنگامه به امید ادامه آن